

قار قار خنده‌ها

توی دفتر می کشم ...



توی دفتر می کشم

خانه ای همراه باغ

بعد روی یک درخت

لانه ای با یک کلاغ

چند روزی هست او

بال هایش بسته است

قار قاری هم نکرد

مثل این که خسته است

مادرم می گوید او

خسته از تنهایی است

دوستی می خواست او

تا که پیشش می نشست

می روم در لانه اش

می زخم طرح کلاغ

قار قار خنده ها

می رسد هر جای باغ